

اخبار رول خارجه که از روزنامه های خارجه ترجمه شده نوشته میشود
 از قرار روزنامه پاریس ده سال قبل ازین در فرانسه شخصی از معدن زاج از نوع نقره که زنگت
 و تعایب نسیه است نظری اخراج کرده در آن اوقات چون از نقره گرانتر بعل می آمد از اخراج آن
 صرف نظر نموده دو سال قبل ازین اعلی حضرت امیرطور فرانس فرمایش کردند که هر کس بتواند
 فلز را از نقره اخراج نماید و چه معتدبی با و انعام داده میشود خیلی اشخاص درین باب استقام
 از معدن زاج این فلز استخراج نمودند نهایت قیمت نقره تمام شد و از آن نازلتر نوشتند
 بعضی پاورد در این اوقات در محل فیورنیه که مقرر حکومت طوسخانه است یک شخصی فلز نوبر را بهی
 بسیار نایل را پس را پیدا کرده و اخراج مینماید و بجهت اثبات مدقای خود پاریس آمده که عمل خود
 بعد چنان آن ولایت ظاهر سازد و معاینه نماید که همان فلز که گرانتر از نقره بعل می آمد حال از آن تمام
 می نماید تا از جانب اعلی حضرت امیرطور فرانس انعامی که وعده شده در حق او داده شود (بقره
 چند دهه در روزنامه ها نوشته شده است بعد از زلزله که در ناپولی وقوع یافت کوه سوزنده
 در جلوناپولی که من القدیمش از او ظاهر و گاهی شدت کرده چارکاشده و گاهی ضعف داشت چند
 چشمه اش دیگر از او ظاهر گردیده و شدت کشیده شبها آن اطراف را مانند روز روشن میکند بجهت
 تناسلی این عجیب نادر المثال خیلی اشخاص از اطراف ولایات فرنگستان با نجا آمده و از دو عالم
 در آنجا شده بود و قبال دولت ناپولی بجهت اینکه اعتیادش و اختلال در آنجا روی ندهد با امورین ناپولی
 با نجا روانه کرده بود در این اوقات شدت این شش رویگی گذار شده است و این سوزنده کی که
 در کوه نرولون بطا هر گردیده در سالهای دیگر مشاهده شده بود) (دیگر نوشته اند که در این
 در معدن شخصی کینوع رورق اختراع کرده است که از ملاحظه زیاد امواج در وقت طوفان غرق می شود
 و اگر آب هم بمیان آن بریزد بهتولت خارج میکند و و این رورقها بجهت بیرون آوردن آدم و اسباب
 از کشتیهایی که غرق میشوند خیلی بکار خورده و مفید افتاده است و از جانب دولت انگلیس نشان
 بان شخص داده شده بجهت فایده این رورقها دولت فرانسه نیز قرار داده اند که چند قطعه ازین رورق
 رورقها سازند) (دیگر از قرار روزنامه فرانس در کشتی سازخانه شرلورنخ که در سمت شمالی
 فرانسه واقع است از چند وقت قبل ازین با حقن حوض جدید و استحکامات دیگر از جانب دولت

۲۶۸۲

فرانس مبادرت شده بود در این اوقات حوض و سایر استحکامات کشتی سازخانه مزبور
 با تمام رسیده در اغتسوس آئینه اعلیحضرت امیرالمؤمنین فرانس عزیمت آنجا فرموده از سعادت
 عربیه که در سایر کشتی سازخانه های فرانس موجود است مفاد مشتاد قطعه کشتی با آنجا حرکت میدهند
 و اجزای تعلیم بزرگی در آنجا بشود و ضمن سیر و تماشای آنجا از فرماندهانهای قشون بحری دولتهای
 فرنگستان خیلی اشخاص با آنجا دعوت میشوند و از کشتی سازخانه مزبور تا پاریس راه آهنی نیز قرار گرفته
 سازند بعد از آنکه اعلیحضرت امیرالمؤمنین تشریف آوردند شروع بافتن راه مزبور خواهند
 و سببه اجزای تعلیم مزبور یک کشتی جنگی که در کشتی سازخانه تولون بود و دیگر کشتی سازخانه شروع
 حرکت کرده اند (دیگر از قرار یک نوشته اند اعلیحضرت ملکه انگلیس سببه ملاقات در خروجی که حدود
 پیش ازین به پسرولجهد قوال دولت پروس عقد و تزویج شده است و این اوقات نسبت لغایب
 عزیمت نموده اند) (دیگر از قرار روزنامه های لندن مسافت دریای ما بین انگلیس و سکی دنیا را که
 هزار فرسخ است از جانب قومیانیه که در لندن لیکن یافته اراده شده بود که سیم تلفات بکنند چنانچه
 قبل ازین شروع باین کار نمودند سببه پاره شدن سیم در میان دریای تلفات مزبور بتجویق افتاد
 در این اوقات مجدداً از جانب قومیانیه مزبور سیم و سایر آلات داد و ات تلفات در رود
 وضع شده لوبوط دریای مزبور بردند که سیم چهاراد آنجا بهم وصل نمود و یکی طرف انگلیس و یکی طرف
 سکی دنیا کشیده شود بعد از آنکه سیم چهار بهم وصل کردند یکصد و سی و چهار میل مسافت را که
 سیم کشیدند با سیم پاره شد حالا قرار گرفته اند که سیم پاره شده را همانا از دریای پرون
 بیاورند و به ترتیبی که قرار داده اند مجدداً خط تلفات از انگلیس تا سکی دنیا از میان دریای بکشند
 و دیگر از قرار روزنامه وینیه پای تحت دولت استریمه دولت روستیه عساکر موجوده خود را از هر
 در لهستان اردوئی کامل ترتیب داده اند درین باب سبب تحقیق و تجسس که باعث بر ترتیب داد
 این اردو در خاک لهستان چنانچه در بعضی روزنامه های فرنگستان چیزهای نوشته اند از قرار روز
 بطرز بزرگ پای تحت دولت روستیه چنانچه دولتهای فرانس و استریمه و پروستیه همچنان
 ورزیده شدن قشون به شکل مستقیم و سختی در محاربات و سفر ایام تابستان را در محلی از ممالک
 خود اردو ترتیب داده قشون را مشق و تعلیم میدهند دولت روس نیز این قرار را گذاشته و این

۲۶۸۳

از دزدان و در خاک لاشه آن مرتب داده و خیمه باز کرده اند بعد از آنکه مدتی که اجرائی تعلیمات آنها بعمل
 مرضی ماکن و او وطن خود خواهند کردید (دیگر نوشته اند که قانون پولیس که عبارت است از
 کزنه و مستحفظ شهر باشد در انگلیس بسیار مضبوط است چنانچه در حبس خانها از دزدان و کینه
 و قاتل و غیره یکی را که مدت حبس او بسر رفته و مرضی می کنند شکل او را با صفتی که عکس هر نفری در
 اقباب بان برداشته میشود بر میدارند و در نزد پولیس ضبط است اگر آن شخص بجائی رفته
 دزدی بکند و صاحب مال او را ببیند و نتواند بگیرد همین قدر که بیات او را در نظر داشته باشد
 نزد پولیس می آید و پولیس تصویرات دزدان و ارباب حرام را که در نزد او ضبط است بصاحب
 مال می نماید هر کدام را که صاحب مال نشان داد نفقات پولیس رفته او را میگرداند از جمله حدود
 پیش ازین سه نفر در و سجان شخصی رفته اسباب سرقت کرده بودند در وقت رفتن صاحب
 خانه روی آنها را دیده دیگر عجب آنها رفته بودند نزد پولیس آمد و پولیس تصویرات را بنظر
 او رسانده بود هر سه نفر نشان داده پولیس رفته آنها را گرفته بحبس انداختند و بعد از آن
 اراده کرده است که این قانون را در محاکم خود معمول بدارد (از فرار روزنامه باویر شماره
 مونیخ که مقرر حکومت دولت مریور است از وقتی که نباشد است تاکنون در هر سال یکده اجراء
 شلیک بزرگ مینمایند در این اوقات بمقصد از بنای شهر مریور گذشته و نوبت شلیک مقوم
 و درین شلیک عمارات و بازار زاد و ستند کشوده میشود و مخصوص بامتعه متنوعه المانیایک
 بطور مرتب داده امتعه المانی را با بنج نقل میگردانند) (دیگر نوشته اند که چون در حین شلیک
 خانه نیست تاکنون در آنجا پا ایجاد و احداث آلات کشتی بخار موفق شده و مسج کشتی بخار شده
 در این اوقات سفیرهای انگلیس و فرانسه که در شهر کانتان چین بودند از آنجا بگشتیهای چین
 نشسته بجهت ملاقات خاقان چین بپکن پای تحت آنجا حرکت کرده بودند در آشنای راه
 بیک کشتی بخار که بیرون چین داشت و سکنه آن کلاً اهل چین بودند برخورد کرده بودند بسیار تعجب کردند

و در صد و شصت و هفت برآمده بودند که معلوم نمایند این کشتی

از خارج بدست اهل چین افتاده یا خود

ساخته اند

۲۶۸۲

روزنامه وقایع العاقبه بتاریخ یوم شنبه پنجم صفر از مطبوعات کابل نوشته شد
۱۲۷۵



منطقه واراغلا و طهران
قیمت اعلانات
هر خط یک ریال

مرد سینه و لود و پشت
قیمت روزنامه
هر نسخه ده ریال

اجبار و احسانه ممالک محروسه پادشاهی

واراغلا و طهران

چون مراتب و ثوق و اعتماد خاطر خطیر بامولان علیحضرت قدس شاهی خلد الله ملک و سلطانہ بعقل و کفایت و حسن رأی و ویرایش جناب فحمت رضا بقیامکاتان شیرانه و له سجد کمال بود و جناب ایشان را پادشاه و امور محضه و کفایت و شاکه گانی ساختند و در دو احوالی و کنایه معنی به مجرب مستند است و منصب قلیل مجلس شوری را بعینه ایشان از قریب صد روز دست مبارک محمول فرموده و ایک صورت دستخط مبارک بعینه نقل می شود چون بزرگوار و در صداقت و دو احوالی باره از بایش فرموده ایم کمال و ثوق و اعتماد بکنایت و کاروانی او داریم و او را خبر خواه و مخلص میدانیم علی هذا ریاست شوری و دولت را که از امور است معظمت بعینه کفایت و محول میفرماییم که در این امر روز بروز صداقت و دو احوالی و غیرت خود را بعینه نظر سازند و بدان واسطه بکفایت و رحمت در حق خود بیفزاید و شهر صفر ۱۲۷۵ (از جمله کالیف و وزیر دولت که در روزنامه گذشته قید نشدند بود و حالا اعلام میشود لیس است که جناب علالت و ائمتنا ابین الله العلیه یا به حسب امر هر یک جایون کافر علیحضرت قوی شوکت شاهی خلد الله ملک و سلطانہ بیست کل قراین و پروات نامیم بعد از صلواتها بامولان هر نماینده برادر جناب مغزی الیه نیز عالی معین شده است که داخل بقراری سابق ندارد) (چون موافق شرح روزنامه معینه که شایسته است و دولتی حسب الامر الا حدس الاعلی فیما بین وزیر اعظم تقسیم یافته است که اهدایی نباید و عمل و تصرف در کارهای دیگری نماید لهذا رای عالم آرای جایون بر این قرار گرفت که منصب صدر اعظمی و لوازم آن هم بکلی از دولت علیه ایران منسوخ گردد و بهین اعلام نامه رسمی باید کل طبقات نوکر و عموم مردم این منصب را منسوخ و لوازم آن را در عهد شخص و احد بکلی منسوخ نمود بداند که بعد از این یا بعدی داده نخواهد شد هر کس باین مقام و عهد شخص بیاید مورد دستخط و تحفه خاطر بامولان خواهد گردید

۲۶۸۵

روز شنبه دوم این ماه عید ۳۳ گذاری علیحضرت امیر اطور دولت پسته رویه بود از جانب سیاحان
 شاهی صیانت شو که عن التناهی چند خوانچه قند و نقل فرستاده شده و عالیجاه معرب حضرت رضا
 نایب لشکر آقاسی نیز حجه تهنیت سفارتخانه رفته جناب فحامت نصاب وزیر مختار اند دولت در
 سفارتخانه خودشان مژومات عیدی و سرور را مهیا کرده بودند سایر سفیرهای مقیمین در بار این دولت
 در آن روز حجه تهنیت تبریک سفارتخانه دولت روسته رفتند چون شب یکشنبه سیم را در سفارتخانه
 ضیافت و مهمانی داشتند از جناب لالتاب مؤتمن سلطان وزیر دولت خارجه و معربی انخافان میرزا
 نایب الوزاره و داد و خان باش ترجم و معرب حضرت العلیه سخی خان شرح حضور نیز و عدو خوانسته
 بودند جناب معربی الی طرف عصر سفارتخانه رفته اولاجته تبریک و تهنیت در سفارتخانه نشسته
 لوازم آتشی در ابل آورده و وقت شام از آن مجلس برخاسته سبزه خانه رفتند بقدرسی نفر که از وزرای
 مختاره صاحب منصبان سایر سفارتخانه و عدو خوانسته بودند همگی جمع و حاضر شده و مجلس بسیار با سکو
 و زینت تزیین داده بودند پرده شیر و خورشید نشان دولت علیه را با سایر پرده های نشان دول
 مستحایر با آن دولت در اطاق او بران کرده ضمن و جنابان را با فاقدیل و لفظ و سایر چرخها چرخ
 خوب کرده بودند حضرات تا پنج ساعت ارباب گذشته در کمال خرمی و دلخوشی در آن مجلس سپری کرده و با
 یکدیگر صحبت های محبت انگیزه موت تبریک کرده در آن وقت متفرق گشته هر یک بنازل خویش رفتند
 (که چون در سفر اول که جناب جلالتاب ستر مری وزیر مختار انگلیس بدر بار کردون وقار آمد
 چندان طول کشید که اسباب برودت مابین او و پیکاران دولت علیه ریاد شد و در آنوقت بعضی
 بسنا و تالیق نسبت بجناب معربی الیه بسته شده بود حتی در روزنامه و در کتابهای تاریخ هم چاپ
 زدند و متفرق گشت بعد از آنکه در فحس مراتب منوره تجدید نظر بعمل آمده معلوم کردید که آن فقرات
 بیچوجه اصلی نداشته و تهت و افترای محض بوده لهذا برای وضوح مطلب این فقره را در حلی روزنامه
 این مقدمه مدیح ساختیم که بر هر مطالع کسند معلوم و ظاهر باشد که جناب ستر مری و انظر
 مقابل از آن تهت و افترای و عاری بوده اند در نسخ تواریخ نیز همین فقره را مجدداً قید خوانند
 که رفع اشتباه بشود (لفظ بطور مرحمت ملوکانه در بارده عالیجاه معرب انخافان میرزا سید
 دیوان اعلی دوکیل و بستان و لرستان و برودت در این اوقات دستخط های یونان این مضمون

۲۶۸۶

در حق مشرک رالیه شرف صد دریافت میرزا ریح نوکر خوب است و منصب استیفا با درجت
شده است لازمه مستوفی کرسی شال و کلاه و حساب است التی شال و کلاه بگذارد و در سلام
باشد و حساب یزد و بود و در راهم از امروز با و مرحمت فرمودیم که مشغول خدمت سابقه و از خدمت
(نظر بوفور قابلیت لچاه نتیجہ انجمن العظام مقرب الحضرۃ العلیہ سخی خان که اباعن جد از خود
این دولت جاوید آیت بوده و مراتب یافت و شایستگی خود را منصب ظهور رسانیده عزت او بزل
کردید لهذا منصب اجودان خاصه و مترجم حضور با هر التور موجب فرمان هایون سرافراز گشته و بکسب
قبای نظامی و کسب خدمت مشرک رالیه مرحمت کردید (نظر بطور صداقت و قابلیت و کار دای
عالیجا و مقرب الحضرۃ العلیہ میرزا جعفر شیخ دست که از قدیمی چاکران سرکار اقدس هایون است
امور نقدی بتانی عمارت مبارکات دیوانی دار اختلاف و بیلاقات حول و حوش و تعمیر کارخان
و غیره موجب فرمان هایون تعین شده است نام عالیجا مشرک رالیه محول و موکول شده و کمیونیت
گرمانی سکین مشرک رالیه خدمت مرحمت کردید (در شهر دار اختلاف مبارک که نیز در روز چهارشنبه
ع اینجا تو آب مشرف والا محمد تقی میرزا حکمران دار اختلاف طهران و توابع سجد عید مولود مسعود است
هایون در عمارت ارک مبارک سلام عید منعقد نمودند مقرب انجمن قان میرزا موسی و نیز سایر چاکران
مقیم دار اختلاف مبارک که عالیجا مان کلانتر و که خدایمان بحضور نوات معزی الیه شرفیاب شد و ایام
تعینت عید را بعل آوردند و اجر ای شنگ از تو چنان مبارک که بقرار معمول اعیاد شده و بعد از آن
خطبه بنام سرکار اقدس هایون و احتتام به عایق با و و امام دولت قوی سوکت روز عید
سلام عید منقضی گردیده هر کس بمنزل خود مراجعت نمود (از شاگردان مدرسه دار الفنون
که در علم هندسه و ساحت تحصیل در نزد عالیجا موسی کریش مرتب تو چنان و معلم دار الفنون
کرده اند عالیجا مان محمد صادق خان قاجار سرهنگ تو چنان و مصطفی قلیجان نایب تو چنان و میرزا
سپه مقرب انجمن قان لصر الملک عسکر خان برادر صاحب جمع را نواب مستطاب شاهزاده محسن اقصا
علیقلی میرزا چند روز قبل با مور نمودند که رفته ارتفاع قصر مبارک که اقدس هایون را در نیارن
از سطح طهران و بعد از آن ارتفاع کوه دماوند و بعضی جا های دیگر مشخص نمایند مشرک رالیه حسب الامر
معمول داشته آنچه معلوم کرده اند بفرستادند و بفرستاده بفرستاده میشود

۲۶۸۷

از انجمن

کتابخانه

آذربایجان

از قراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته اند لواء مستطاب نیز از پنجم رکن الدوله العلیه میباشد
 اتهام را در انتظام و انضباط امر آذربایجان و از او اکثر اوقات بقورخانه مبارکه سرکشی کرده در
 ریختن توب و کلو با اتهام می نمایند یک لوله توب بر او بند در کمال خوبی ریخته شده و مشغول سوختن
 هستند و لوله دیگری ۹ پوند و یکی عم پوند و نیم در حضور لواء شرف و الا ریخته شد چون خوب
 از عهد مصباح و اسباب برآمده بودند و عیب و نقیضی نداشت و کلو و ساخر توب هم ریخته
 در آن روز توب معزی الیه الغام بکوله ریرو توب ریرو القات نمودند (ملک نام بنایی که همیشه اوقات
 بقطع طرق و سرفه و شرارت مشغول بود حسب احکام و سبکیه گردیده او را بحضور لواء رکن الدوله
 آوردند و سیاست و سرای اعمال ناشایسته خود رسید مردم از شر او آسوده گردیدند) (چند
 قاطر از مکاری اصفهان که در بیرون شهر سیر اندین برده بودند بکام عروب که قاطر را بشهر مرا
 میدادند بکروس از آنها جدا شد حسینعلی نام امیر خیزی گرفت پنهان کرده بود مکاری شاری الیه
 عارض شد جهان ساعت مقرب آنحضرت بیکر سکی محصل فرستاده قاطر را در خانه حسینعلی نام
 کرده بکاری رود و حسینعلی نام محض اطلع از آمدن محصل فرار نموده رفت در عقبه جناب سید
 علیه الرحمه بست نشست) (دیگر نوشته اند که جماعت بنک داران که اخماس و ماکولات را
 و باعث کرانی ماکولات میشدند حسب احکام لواء مستطاب رکن الدوله العلیه مقرب آنحضرت
 بیکر سکی بنکداران را آورده تنبیه نمودند که دیگر بعد از این جنس ماکولات را بس نمانند و احکام
 بداند و باین جهت رفاه از برای مردم حاصل گردید **عربستان** از قراریکه در روزنامه عربستان
 نوشته اند از قرار تقریر امالی عربستان بچو فت هوای عربستان باین شدت که امسال تابستان
 گرم شد گرم شد و بود در عشر اول ذیقعه ده نفر از جویره و بیت و پنج نفر از ذوقول و پانزده
 از شوشتر را در صحرا باد گرم زده است تا لار عمارت کلانتر شوشتر که بقدر سی و پنج سال است
 ساخته شده است چند ستون سکنی دارد که مابین ستونها سرب ریخته اند و در آن اوقات
 شدت گرما سجدتی رسیده بود که سرب های مابین ستونها آب شده از شکاف سنگها
 بیرون آمده بود که جمعی ملاحظه این فقره را کرده بودند) (دیگر نوشته اند که سبدر محمده و خواجه
 و آن صفی است در نهایت امنیت و لجاج حاجی جابر خان سپنج نهایت اتهام در انتظام امور بخارا

۲۶۸۸

کرمان

خلعت مهر طلعت که از جانب سنی احوال بر کار اعلیحضرت اقدس بجا یون شایسته
 و امت شوکت به افزاری و افتخار امیر الامراء العظام سید از حکمران کرمان غایت و التفات
 شده نزد کتب بکرمان که بر تو وصول افکنده بود مغزی البیالی باغ آقا با استقبال رفقه روز
 مبارک حیدر در کمال احترام و اعزاز خلعت مبارک را ریب برودش خود ساخته و بشکرانه
 مرام شاهانه معادل سصد تومان مبارکین و ضغفا و ارباب استحقاق کرمان به توسط پسر عبدالعزیز
 با شی استجا داده به خور احوال هر یک در میان آنها تقسیم نمود (قلعه که در راه دارالعباد در
 و مشهور بقعه زین الدین است و از بناهای مرحوم شاه عباس صفولیت و آب انباری هم در
 بنا نموده بودند چون خراب و بایر شده بود در بنده التمهیرت الحضره العلیه میرزا محمد
 کرمان آدم فرستاده آب انبار را در بنحایت خوبی تعمیر نمود و وقتانی هم که آب خشکوار
 دارد بجهت آب انبار آباد نموده اند قلعه نموده که خرابی بهم رسانده بود در کار تعمیر میکنند
 مترو دین آن راهها با سود کی عبور و مرور نمایند و مخارج تعمیرات مزبور را حضرت العلیه
 میرزا محمد پیکار کرمان خود متحمل شده است) (دیگر نوشته اند که راه بلوچستان از اهنامات
 عالیجاه مجد شیره امام علی خان سر قیپ در نهایت ایت است قلعه اسپد نام که مابین
 و بلوچستان واقع و سه قلعه است آنها را تعمیر نموده و دورشته قنات جدید احداث کرده و
 قنات دیگر هم که از قدیم بود تمقیه نموده و امور قراول و ساخلو آنجا را محکم نموده است و همچنین در
 یم و زما شیر شصت رشته قنات که بواسطه رودخار کی خراب و بایر شده بود از مراقبت
 و تاکیدات امیر الامراء العظام سید از حکمران کرمان و اهنام عالیجاه مجد شیره امام علی خان
 سر قیپ کلا معمور و دایر گردیده و آبادی آنجا روز بروز تراید است) (دیگر از فرار کوه سیر
 اجناس کرمان را نوشته اند که قدم مال جو خرواری میت و چهار دینار و مال بلوکات خرواری
 به چده هزار دینار جو خرواری سیزده هزار دینار گاه خرواری چهار نان یکین سصد دینار
 پنج چها یکین هزار دینار پنج شده یکین شصت دینار و غن یکین چهار هزار دینار و صد یکین
 سکر یکین من چهار هزار نبات یک من چهار تبا کو یکین سه هزار و سار اجناس نیز این میده مسعوده است

۲۶۸۹

احبار دول خارجه که از روزنامه های خارجه ترجمه شده نوشته شده

در روزنامه های سابق نوشته شده بود که حوض بزرگ جدید و سایر اسخکامات کشتی سارفات
 شربورج فرانسه درین اوقات با تمام رسیده و اعلیحضرت امیراطور فرانس غزیت آنجا را
 فرموده اند و کشتیهای جنگی از سارکشتی سازخانها و لسنرکابهای فرانسه با آنجا خواهند
 که اجرای تعلیمات کشتیهای مزبور را نمایند و اغلب سرکردگان بحری دول فرنگستان بجهت
 تعلیمات مزبور با آنجا دعوت شده اند از قرار روزنامه که بعد رسیدن روزنامه های لندن نوشته
 بودند که اعلیحضرت ملکه انگلیس نیز بجهت تماشای آنجا دعوت شده و غزیت شربورج فرموده اند و
 کشتی بزرگ سه باره با چند سفینه دیگر در محبت ایشان مهیای حرکت هستند (دیگر از روزنامه
 لندن نوشته اند که بفراریکه مستعنی از زبان است ممالک انگلیس عبارت از دو جزیره بزرگ است و
 از بعد آن مانند دیوار سنگی است در سواحل آنجا هیچ لنگرگاه بزرگ که در بعد از کشتی سازخانها
 بزرگ معتبر میتوان ساخت و چهل و چهار لنگرگاه دیگر برای سفاین تجاری و غیره که جمیع
 لنگرگاه است بموجب قرار مجلس بحریه دولت انگلیس در این اوقات این لنگرگاهها را منقسم بدوازده
 قسمت کرده اند و بر قسمی در زیر فرماندانی یک سرکرده که در صورت دائمی اقامت نمایند یک
 کشتی بزرگ و چند قطعه کشتی بخارج مخصوص این مقام نموده و بجهت نظارت مهم این مقام یک
 کشتی در لندن معین گردیده درین لنگرگاهها سوای قطعات و اسخکامات که از سالهای بسیار باشد
 در این اوقات هم مجده در بعضی مجال مناسبتی قطعات و اسخکامات دیگر در مجلس مزبور قرار
 گذاشته و شروع کرده اند) (دیگر از قرار روزنامه وینیه پای تحت استریه قرال یونان که
 با ویه را که معقرالیت برادر او بود کرده روانه شده بود بونیدیک وارد شده و از آنجا حرکت کرده
 در ۲۸ ماه ذی القعدة وارد وینیه گردیده است) (دیگر نوشته اند که چون از دو سال تاکنون
 محنتات عدیده طپانچا که شش فعه خالی میشود ظاهر گردیده است از جانب اعلیحضرت امیراطور فرانس
 حکم شده است که قسطن بحری دولت مزبور را کلاً ازین طپانچه بدینند) (دیگر از قرار روزنامه های
 فرنگستان قونیه قانیانی نام که در حکومت رومه ناظر عمارات بود در این اوقات جانتش ظاهر
 گردید که بقدر صد و بیست هزار تومان از واردات عمارات و رشوت دریافت کرده بود او را

۲۶۹۰

خود معقول کرده و انکس را ضبط نموده خود را متبیت استال بحبس انداختند (دیگر
 نوشته اند که چنانچه هر دولتی در تربیت تبعه خود سعی و اهتمام دارد دولت جمهوری سوئیس که هم
 دولت پرست است درین باب تمام کرد و برای تبعه او ترقی حاصل کرد و بطوری که از صد نفر
 ده نفر بی سواد ماندند مابقی کلاً صاحب خط و سواد شدند دولت پرستیه نیز در صد تربیت تبعه خود
 برآمد و کتب خانهای بسیار پراهنداشت و معلمان از هر علم آورده مالی ولایت خود را بظلم تسویق نمود
 در این اوقات که شاکردان را امتحان کرده اند مانند اهل سوئیس ترقی از برای آنها حاصل نشده
 لهذا از جانب قرال پروستیه حکم شد بعد ازین هر کس بی سواد باشد حکماً داخل آحاد قشون باشد
 باین جهت امانی پروستیه اظهار غیرت مندی نموده و اطفال خود را بچاندن و نوشتن تسویق و غیرت
 کرده در جمیع ممالک پروستیه کتب خانهای جدید ساخته و معلمان از هر علم آورده مشغول تحصیل علوم
 (دیگر از قرار روزنامه های فرانسه شخصی تلوسون نام تاجر از تبعه انگلیس از برای اینکه اعفای
 او باکنت باشند در وقت سی سال قبل ازین مسیخی از مال خود وضع و اقرار کرده وصیت کرد که این وجوه
 برفع بدهند و تا سه لطن از اولاد او بچکدام دخل و تصرف در اصل و فرع بخواه مرز بوند استند
 تا لطن سیم که ظاهر شدند مالک اصل و فرع این بخواه باشند بعد ازیک سال ازین وصیتش را لغو
 شده اولاد او مدعی شدند که این شخص مجنون بوده و وصیت او بکلم مجنون اعتباری ندارد و باید این
 بخواه را متصرف بشویم ولی بنا باصول موضوعه دولتی نتوانستند دخل و تصرف در بخواه مرز بوند
 و هم چنین لطن دویم او هم بدخل بماند و منقرض شدند در این اوقات که لطن سیم او ظاهر شده اند در
 ابتدای این مورد بوجب وصیت بخواه مرز بوند با اصل و منافع متصرف شدند و این بخواه وصیت کرد
 هشتاد هزار تومان بچساب پول ایران رسیده بود که بتصرف اولاد سیم و رآمده و دو هزار و پانصد
 قطار لوزن در آورده اند نوشته اند که در فرنگان اولاد ای بطور دولت مند شده اند و از پادشاه
 سلف نیز چنین انشائی سموع کردند و در انگلیس این اوقات قانون جدیدی وضع کرده اند که
 هر کس فوت شود بعد از میت و یک سال در شش او ترکش را باید در میان خود میت نمایند و هم
 نوشته اند که ازین قبیل کارها در فرنگان بسیار اتفاق می افتد بعضی بوصیت خود موفق نمی شوند بعضی
 می شوند از جمله در ایام صد و پنجاه سال قبل ازین صرافی دولت مند در پاریس پای تخت فرانسه از پادشاه

۲۶۹۱

موجوده خود نقد بسیار جدا کرده وصیت نمود که تا صدل وجه مزبور را به نفع بدهند در هر صدل سال
 او را هر چه جمع شده است بمهر فقیهش بر چه مؤلف و شاعر مشهور روی زمین است برسانند و ای آنها
 اماکن و املاک بخرند و این منافع تخمیناً یک کرو در صد در ابرو مان می شد بعد از آن تا صدل دیگر با نفع
 به بند و در صدل دوم منافع آزاد و چه کسانی که بجهت قرض محبوس اند مصرف دارند بعد از آن تا
 صدل دیگر بمعامله به بند و در صدل سیم منافع او را صرفاً حق یک کلیسای بزرگ کتلیا عمارت معتین
 سازند و منافع سال چهارم صدر ابا و ای دین مدیونان بذل کنند و در سال پنجم اصل و فرع
 این خواه را کلاً از برای هر کس ملک ندارد و ملک بخرند ولی در صدل قبل از این ایام بسبب اختلافی
 که بواسطه جمهوریته قبل از ایام ناپلیان بزرگ در فرانسه بهم رسید این خواه اصل و عرش کلاً بغارت
 رفت و مطلوب آن شخص بوجه دلخواه نعل نیامد (دیگر نوشته اند که در ایام نیکولای امپراتور تزاری
 بهیته رسید در شهر پترزبورغ پنج شش شب کارخانه روزنامه بیشتر دایر بود در این اوقات شب
 کارخانه روزنامه در اینجا بر راه افتاده که بزبان روس و فرانسه روزنامه میزنند) (در روزهای
 چند هفته قبل از این نوشته شده بود که بقانون فرانکفون اگر زنی بی عفت باشد و شوهرش مطلع شود او را با
 نمیتواند طلاق بگوید و اگر بعد از صحبت و اشکال بتواند طلاق بگوید و هم العمر زن دیگری توانی بگوید
 زن مطلقه را نیز باید زیاده از شکل قوت خود دادام العمر بکفل معیشت نماید و این کیفیت بزبان کاری خدی کند
 این اوقات دولت انگلیس این قانون را در مالک خود متروک داشته و نظام نامه جدیدی احداث
 کرده است که اگر زنی بدعل بی عفت باشد و شوهرش بتواند ثابت نماید آذون در طلاق او و معاف از
 کفیل معیشت و محتار در تزویج زوج و دیگر باشد در این اوقات که این نظام نامه جدید را نشر و اعلان
 کرده اند از قرار مذکور دو هزار و سیصد نفر از اهل آنجا که از زنهای خود رضامندی نداشته اند
 طلاق آنها خدمت اعلیحضرت ملکه انگلیس عرض حال کرده اند) (دیگر از قرار روزنامه فرانسه در این اوقات
 که اعلیحضرت امپراطور فرانسه غیبت کشتی سا رخا در شهر پورغ را کرده و بسیاری از معتبرین مجتربین سحرینه
 و غیره دو نه های فرانکستان را با آنجا دعوت نموده اند خارج ترین شهر پورغ را بجهت خود گرفته و

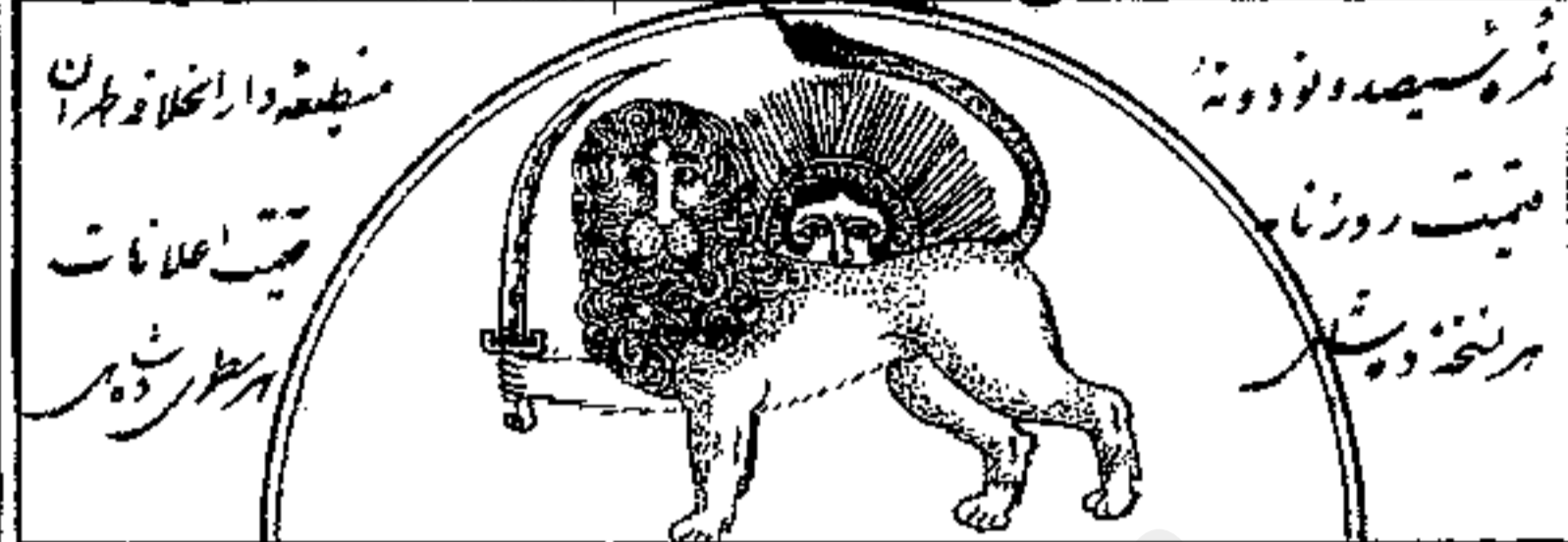
۲۶۹۲

حکم فرموده اند که باره در و کو چهار رنگ تازه بکشند و

معابر و سوارخ و راههار ازینت و ایش

یا کز به نمایند

روزنامه قایم الحاقیه تاریخ پنجشنبه ۱۳ خرداد و سه شنبه ۱۴ خرداد مطابق اول و سوم اسفند



اخبار و احداث مالک روسیه و شاهي

دارالخلافه طهران

روز چهارشنبه ششم شهر صفر المنظر بلو از م عید مولود مسعود بجا یون اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی
 خداوند متعال و سلطان باشکوه و شوکت تمام قیام و اقدام شد سفر ای دولت محتاج به تعیین دربار دولت
 علییه بیست اجتماع با لباس رسمی شرفیاب حضور با هر التورهای یون کردید مورد تعقدات ملوکانه شدند و
 پس از آن از طبقات نوکر و وجوه جا کران دربار معدل گستر اشخاصی که شایسته و قابل سلام بودند از
 شاهزادگان عظام و امرای کرام و ستو فیان و لشکریان فحام و صاحب منصبان نظام و سایر دربار
 مبارکه نیوران هر یک در جای خود قرار و آرام گرفته شیک و توب و زینوارک سابق متداول پس آمده
 سلام باشکوهی تمام چنان سمت انعقاد یافت که در کتر از اعیاد اینطور ملاحظه شده بود و سیدگان اقدس
 نواب مستطاب شاهزاده اعظم حاجی محمد ولی میرزا منظر القعات ملوکانه فرموده سنجاب سلامت محاط
 و یاشانی چند که تراوش آن شایسته وجود مسعود بجا یون بود پس مشعر بر انظام امور دولت و رسیدگی
 بحال نوکر و رعیت و استقرار رای مبارک بردوام و سنجام فرار داد جدید از تعین وزرای عدیده برای
 مهات و ولتیه بتفصیل فرمودند و بعد خطبه بنام نامی مبارکه خوانده شده و عالیجناب میرزا محمد علیخان شمس
 قصیده در نکال فصاحت و بلاغت خوانده سلام منقضی کردید (چون جناب جلالت اب مستر مری در
 مختار و ایچی مخصوص دولت بهینه انگلیس تی بکتر مزاج مبتلا و آب هوای این سامان مزاج ایشان مناسب
 بر حسب استبداتی که از جانب اولیای دولت مستبوعه خود حاصل کرده بود از برای مرضی و غیره انگلیس
 روز پنجشنبه هفتم شهر صفر المنظر شرفیاب حضور با هر التورهای یون کرده جناب مجدت اسسراه دور با حیات

۲۶۹۳

از جانب دولت بهیه انگلیس بارز و قری و توقیف در بار کردن و قاریایون معرفی نمود و منظر لقمه است
 موهانه کردید از حضور مبارک فرخ شدند (در روزنامه هفت که شته سہی از قلم کاتب جاری شده بود
 که برواه فراین را جناب جلالت کاتب است این الدوله العلیه بعد از صبح دستخط تایون مهر خواستند
 بجهت رفع این سہو کاتب و دفع سببہ مطالعہ کنندگان روزنامه در ضمن این روزنامه اعلام می شود که جناب
 در پست برواه و فراین مبارک حکم محکم اعلیحضرت قوی شوکت شاهی پیش از آنکه ملاحظہ نظر تایون
 زود خواهد شد بعد از آن تا جناب ایشان ابتداء رسیدگی بصحت و سقم عمل نمایند و بعد از آن ملاحظہ نظر

مترجم شود

مضبب بنیل ریاست دارالاشاء دولت علیہ کافی السابق بعہدہ کفالت مقرب انخافان
 میرزا زین العابدین ملک الکتاب

مضبب جلیل ریاست دفتر سایل فاعلہ دولت کافی السابق بعہدہ کفالت مقرب انخافان
 امیر الملک ضمیمہ لقب منشی کرمی فاعلہ حضور تایون

۲۶۹۴

مضبب خطیر تحویل داری وجوہ التفاتیہ بعہدہ امامت مقرب انخافان میرزا ماشم خان شیخ دست
 خاصہ محمول و مرجوع کردید و برای ہر یک فراین تایون و خلائع فاعلہ اعطاء عنایت کت
 مقرب انخافان میرزا محمد زمان ستونی و امیر دیوانہ انخافان سابق بموجب فرمان تایون منصب استیفاء فاعلہ
 سر اوزار و مناسبتہ مملکت فارس از ہذہ التذویات میں لعلچاہ مشارالہیہ معوض و مرجوع فرمود
 و درازا شغل و عمل بکثوب جتہ ترڈہ لاکہ حمت عنایت شد

علاوہ بر التفاتی کہ در حق مقرب انخافان میرزا بیچ ستونی شدہ و در ضمن روزنامہ ہفتہ قبل اظہار شد
 محض ازراہ عنایت از جانب سنی انجواب اعلیحضرت شاهی دامت شوکتہ بکثوب جتہ ترڈہ لاکہ
 لعلچاہ مشارالہیہ مرحمت کردید

عالیشان میرزا ابوالقاسم بموجب فرمان تایون بقب و خطاب لعلچاہی و منصب غزب باشیگری
 دفتر نظام منقحہ کردید و بکظافہ مثال کرمانی درازای این منصب لعلچاہ مشارالہیہ حمت عنایت شد

قصیدہ کہ لعلچاہ میرزا محمد علیخان شمس الشعرا در روز عبد مولود مسعود تایون اعلیحضرت اقدس شاهی
 معروض چکا حضور مہر ظهور داشتہ بود درین روزنامہ سندرچ میگرد

۲۶
از این

روزنامه شاکردان علم هندسه که به تشخیص ارتفاع قصر سلطانی نیاوران و کوه دماوند و غیره این
 سطح دار اختلاف نامور شده بودند حسب الحکم سرکار نوآب اشرف والا اعتضاد سلطنته این
 قدویان محمد صادق خان قاجار سر بنک توپخانه و مصطفی قلیخان یاورتو پخانه و میرزا فتح الله
 پسر معرتب انجاقان نصیر الملک و سرکار خان برادر صاحب جمع سجدتین ارتفاع قد کوه دماوند
 موافق طوری که در نزد عالیجاه موسیو کریش سریت توپخانه مبارکه آموخته بودند روز شنبه
 بیست و نهم محرم از طهران عازم نیاوران شده در باغ ثواب والا اعتضاد سلطنته که در حصار علی
 واقع است و محاذی قصر اعلی حضرت اقدس عالیون شاهنشاهی اتفاق افتاده است بقاعده که در
 درجه ارتفاع ترمومتر که معروف بدرجه سرما و گرماست گرفته شده دولت دوه درجه شد و بقاعده
 حساب عمل نموده چهار صد و شصت و شصت ذرع شد که ارتفاع قصر سلطانی نیاوران از سطح طهران است
 و از آنجا بسومانی که صبح واپس بوجهن و از آنجا روز دیگر بدماوند در کنار رودخانه ارتفاع ترمومتر
 گرفته دولت و یازده درجه شد که بقاعده حساب شصت و سی و چهار ذرع باشد و از آنجا روانه شد
 از کشتی مانده با ششم گذشته بآب گرم لاریجان رفه ارتفاع ترمومتر گرفته دولت و پنج درجه شد
 که بقاعده عمل شصت و هفتاد و هفت ذرع و آب گرم از سطح طهران مرتفع تر میباشد و از آنجا
 ده تقریب گرفته به راه برداشته اول طلوع آفتاب روانه کوه دماوند شده در کمال صوبت تا ساعت
 بغروب مانده قریب دو فرسخ بالا رفته در زیر سنگی که مشهور به بارگاه است و فی الجمله وسعتی دارد
 توقف نموده شب را در آنجا بسر برده بهلوی آن سنگ نهانی بقدر سه چهار سنگ جاری بود یک ساعت
 بغروب مانده نه آب بآن عظمت منجمد گردید چون از این معنی عفت بود شب بی آبی و تسکین کشیده از کوه
 برف و یخ بسر برده شد و بادی بسیار شدید وزیدن گرفت که قوه طبع و تشخیص روشنائی باقی
 و با بیخالت شب را بصبح رسانیده اول طلوع فجر بمقتضی سحر کت آمده بعد از طاعت نمودن نیم فرسخ تا بول
 برف رسیده و در آنجا نیز ارتفاع ترمومتر گرفته صد و پنجاه و دو درجه و بقاعده حساب دویست و
 شصت و شصت و یک ذرع مرتفع تر از سطح طهران میشود و از آن مکان بقدر یک فرسخ بالا رفته بجایی
 که مشهور به بند حکیم صاحب است رسیده درجه ترمومتر یکصد و سی و سه درجه شده که چهار هزار و
 سی و شش ذرع مرتفع تر از سطح طهران میشود و این بندی است که چهار سال قبل یکی از حکمای فرنگ بجز
 بآن مکان رفته و از آنجا تجاوز نتوانست بکند و باین جهت مشهور به بند حکیم صاحب شده و در همین جا

۲۶۹۶

از بلندی فدویان بد حال شده توانستند بیایند و از آنجا با باد و بخت لغزیدند دیگر مرتبه بود ساقی
 نیز طی کرده بگانی که مشهور با مثنی بند است رسیده درجه ارتفاع ترمومتر را گرفته یکصد و هجده
 که بحساب پنجاه و چهار صد و شصت ذرع ارتفاع ترا از سطح طهران باشد و از مثنی بند بقدر هزار قدم
 با ستراحت رفته زحمتی ندارد و با اول دو دکه میرسد و در آنجا تپه مانند جانیت و بخار رقیقی متصا
 و ارتفاع او بقدر سیصد قدم میباشد و از آن حد به بالا معدن کوگرد است و در آخر دو دکه زرافه
 است کم و است بقدر سه قدم که دو نفا صد صد قدم دورتر زرافه دیگری است از زرافه اول بزرگتر
 و از هر دو بخار متصا است پشت زرافه دوم که دالی است حوض مانند که از اطراف آن برف آب شده
 در میان آن حوض جمع میشود و آتش ترش مزه و قدری کوگرد نیز دارد و در میان آن آب گرمهای
 سفید نازک بهم میرسد و بالای کوه جانیت وسیع و وسط آن کو دالی است بزرگ و پر از برف
 و این اوقات بقدر چهار پنج ذرع برش یابین رفته است و عمق کو دالی را تا امروز کسی مشا
 نموده است و سمت قلعه برف دارد و یک سمتش که معدن کوگرد است و بخار دارد بی برف است
 و در آنجا ریخته از پنج دقیقه رستن میرشد و از برای فدویان حالت القاب است داده در
 ارتفاع ترمومتر را در کمال سعرت گرفته سه نفر از بلندی را امکندن کوگرد نموده و مراجعت کرده بعد
 دو تم طبع بقدر و بیان رسیدند و عمل دیگری که بواسطه چوب در لیجان باید بشود از شدت زاری
 یا و توانستند بعل بیاورند و ساعت و نیم بگذرد بمانده خود بمنزله و در نهایت سعرت ساقی
 بقریه کرنا که در پای کوه است وارد شدند

۲۶۹۷

ارتفاع طهران از سطح دریا	ارتفاع قهریباوران	ارتفاع نیاوران از دریا	ارتفاع قصبه و ماد دریا
۱۱۲ ذرع	۱۴۵ ذرع	۱۵۰ ذرع	۳۴ ذرع
ارتفاع آب گرم از طهران	ارتفاع اول برون طهران	ارتفاع اول برف از دریا	ارتفاع بند حکیم صاحب از
۱۷۷ ذرع	۲۶۱ ذرع	۲۱۰ ذرع	۳۶ ذرع
ارتفاع با مثنی بند از طهران	ارتفاع قلعه چاه انشی در ماد	ارتفاع قلعه چاه انشی در ماد	ارتفاع قلعه چاه انشی در ماد
۵۴۵ ذرع	۵۹۹ ذرع	۷۰۱ ذرع	۷۰۱ ذرع

درجه ارتفاع ماروسبر درجه ارتفاع ماروسبر درجه ارتفاع ماروسبر از قله دماوند ۷۹	از نظر آن که معروف از نیادوران هزار یک متر دماوند هزار یک متر درجه سحرگاد بوش می آید که عبارت از تقسیم صد درجه است	۳۴۳	۶۲۵
--	--	-----	-----

درجه ارتفاع جیودیت درجه ارتفاع جیودیت درجه ارتفاع جیودیت	که یک از آلات ارتفاع از نیادوران از قله دماوند	۲۲۱ درجه	۲۱۵ درجه	۱۱۲ درجه
--	--	----------	----------	----------

اجبار دول خارج که از روزنامه های خارجه ترجمه شده نوشته شده

از قرار یک از روزنامه های فرنگستان در جریده تاج اوقات اسلامبول نقل کرده اند در شهر سبوح که تابع دولت است شخصی تاجر امته موجوده خود را فروخته و سخاوه آنرا که مبلغ شصت هزار تومان عید نقد کرده برده است به معنی دیگر میرفت در حین عبور از پلی سه نفر دزد با او برخوردند پول او را گرفته و خودش را با آب انداخته و خود را بگوشه کشیدند در آنجا کرسند شدند یک رفیق را فرستادند که غذای خریداریه بیاورد بعد از رفتن او دو نفر دیگر با هم گفتند که اگر این رفیق را دفع کنیم قیمت او هم مال می شود و مطمئن شدن او شد آن رفیق قسم در بین رفتن چنان کرد که اگر این دو نفر را دفع نمایم همه این سخاوه مال من خواهد بود پس طعامی خریداریه و رسم داخل او کرده برای آنجا آورد همیشه نزدیک رسید آن دو نفر بنا بر مواضع که با هم کرده بودند فوراً او را بدف کلوان تفنگ نمودند پس از اعدام او و جریا با نصابه قیمت کرده با شتهای تمام سب طعام رفقه لغت چند بکار برنده راه رفیق را سپردند پس از چند روز دیگر کیفیت حکومت آنجا معلوم شده سخاوه فرور از ضبط پولیس حکم کرد تا وارث صاحب سخاوه که پیدا شد با تسلیم نمایند (بقراری که چند دفعه در روزنامه ها نوشته شده است بجهت تماشای تعلیمات بزرگ کشتیهای جنگی فرانسه در کشتی سازخانه مشربوع سوای مالی سا بردول فرنگستان که از هر طرف عزیمت آنجا رانوده اند فقط از خود اهل فرانسه و دوت هزار کس بیشتر تا کنون تذکره مرور گرفته اند)

۲۶۹۸

شهر تبریز بی و شصت هزار سکنه دارد و آنقدر خلق که بجهت تماشای آنجا عزیمت کرده اند البته متجاوزند
از سیصد هزار کس خواهند بود چگونه در شهر مزبور در مکان و استراحت خواهند کرد محل تقبالت
و نیز نوشته اند که اجزای این تعلیمات کشتیهای جنگی از حوض بزرگ مدبریا کشیده شده و در دریا
و از جانب اعلیحضرت امیرالطووفیه اجزای موجوده مجلس ملی انگلیس کلاً دعوت شده اند و بجهت
آنها یک قطعه کشتی بخارا از جانب دولت انگلیس تخصیص یافته است و هم چنین برای رکوب انالی و اصل
و تخار معتبر انگلیس تماشای مزبور صد و چهل و پنج کشتی تاکنون مهیج شده است (دیگر از روزنامه
لندن نوشته اند که ریاست ممالک هند و استان اردو و سیال قبل این با یک شخص از وکلای
انگلیس و اجزای آن مرکب از بیست و چهار نفر از بخارا در تحت اداره و حکم یک قومپانیه است قایم مقام
هند و استان و سایر مأمورین آن ولایت بفری و انتخاب قومپانیه مزبور غزل و نصب میشوند و هم
انگلیس که از دریا وحشی هند و استان ارسال میشود و معاش و سایر مصارفشان از صندوق
مزبور داده میشود و حال اینکه صد و بیستادگان خلق را که سیصد و چهل کور با اداره یک قومپانیه
و گذاشتن مالاق غنیاید و بجهت احتضالی که در هند و استان روی داده تغییر این اصول لازم است
در مجلس پاریس و انگلیس از چند ماه قبل این درین باب مذاکرات عمیق شده و خیلی قبل وقایع
و وقوع یافته که این قومپانیه اسی بدون جسم است لهذا آن فرانسوی را موقوف است و قرار
گذاشته که اعضای مجلس اداره هند و استان مرکب از بیست نفر از انگلیس و بیست نفر از اهل
هند و استان باشد که جمیعا چهارده نفر باشند و رئیس آنها یکی از وکلای انگلیس باشد و دوازده
مطلب در مجلس پاریس و مجدداً یک نظام نامه تازه نوشته شد است) (دیگر نوشته اند که اعلیحضرت
امیرالطووفیه غنیمت ان بیکرگاه ارقارزل سابقاً نوشته شده بود موجب اخباری که درین
اوقات از انظار آمده است اعلیحضرت امیرالطووفیه با بخارا وارد شده و بعضی اشخاصشان مدالی عطا
کرده اند و دایره اصلاح حال انالی آنجا بعضی تعلیمات و تعلیمات اجری کرده اند و در لنگرگاه مزبور
در کشتی سازخانه که دارد مجدداً باب مش چند قطعه کشتی فرمایش نموده و بیست روز در آنجا قامت کرده
بر بطرز بورج معاودت فرموده اند) (دیگر از فرار روزنامه بطرز بورج نوشته اند که انالی که در آنجا
در دستیه مت در کافوانها پیکتیمور باش نام چهارصد نفر و پانصد نفر عمده در زراعت کار موجودند

و این املاک هر وقت فروخته شود این عهد نیز عادتاً حکم دسر صاحب ملک را دارد بطوریکه بخواهد
 ترتیب بکنند و این اشخاص اگر از تحمل شقت از مالک خود شکایت نمایند قبول نمی شود و این قاعده من تعلیم
 از اصول بر عهده آن دولت است در عهد امپراطوران دولت پیش از آنها هر قدر سعی کرده اند که این
 قاعده را موقوف بدارند ممکن نشده است علیحضرت امپراطور روسیه این قانون را بکلی متروک
 و لغو داشته در محاکم خود دایر باین مطلب کمیسیونها تشکیل داده قرار داد اگر اقطاعی در پی مصاب
 از کمیسیونها بطرف وکیل داخل فرستاده شده ازینها سی و پنج هزار کس عادتاً مملوک پنجاه کس از
 صاحبان املاک بودند قرار داده اند که اینها از قید رفت آزاد و زراعتی که می کنند قسمت مال صاحب
 املاک و دو قسمت ل آنها باشد و آنها را با حرت بکار بدارند و ازین قرار چهل و هفت کس و نفوس از قید
 بندگی آزاد شده مقابل فرود من آنها بدستان سند می دهند و فرض آنها عیناً و یا با حرت قیمت
 تسویه شده و پشت آن سند وجه ضمن نموده اگر کارخانه های متعدد بوجه برداشت حاصل بفتح
 خبری جنلی وجه بخرش این اشخاص داده میشود (دیگر از قرار روزنامه بطرز لو بوع نوشته اند که بجز
 قرار داد امپراطور سابق روسیه با بچه مالی لهستان قرار بود که بزبان له تکلم نمایند و بزبان روسیه
 حرف بزنند و نظر باین قاعده رفته رفته بزبان له متروک شده بود و در این اوقات علیحضرت امپراطور
 روس اذن داده اند که هر کس بزبانی که مطلوب است خواه زبان له یا زبان روس حرف بزند
 و کتابانی هم که در لهستان نوشته میشود بزبان له باشد (دیگر نوشته اند که بجهت مصارف
 که برای دولت ساروینیه اتفاق افتاده چهل بیان که عبارت از ششاد کرو را با فرائق اعلان کرده است
 که قرض نماید و تمام این وجه را صرفان طومقانه بعهده کرده اند که بدینند (دیگر نوشته اند که قرض
 شهر یاشس بجهت اینکه بخواه تیز ادانی کردند و ماه بسته شده و از طرف ارباب طلب دوماه مهلت داده
 شد بعد از دوماه که گذشته شد در این اوقات بکلی صورت افلاس ظاهر گردیده است (دیگر از
 قرار روزنامه های پاریس نوشته اند که هر کس صنعتی ایجاد و اختراع کرده باشد از طرف دولت بمدت پانزده سال
 امتیازنامه باو اعطای و از جانب حکومت با انقضای مدت مزبور باسم پاتنت صد فرائق قید یا خد میشود و در سال
 سابق در فرانسه دو هزار و پانصد کس را امتیازنامه داده اند و در سال گذشته با توجه به هزار و شصت کس را
 از جانب دولت فرانسه امتیازنامه داده اند

۲۷۰۰

روزنامه قایم القایم و ساینج یوم خشمیه و یکم صفر مظفر مطابوق لونت

منبعه دار الخلاف طهران		مزه چهار صد
قیمت اعلانات		قیمت روزنامه
هر سطر شش		هر سطر ده

اخبار واحسانه مالک محروسه پادشاهی

دار الخلاف طهران

چون در این اوقات هوای دار الخلاف اعتدال بهم رسانیده و سیلاب شیران بعد از داخل شدن میزان سردی کشته بود لهند سیرکار اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه در روز یکشنبه بعدیم از سیلاب سیاوران حرکت فرمودند تمامی ارکان دولت علیه و اعیان سلطنتیه از شاهزادگان عظام و وزراء فخام و نظام و سایر خدام و چشم دربار سپهر ام در کابو کبک یون بودند بعد از حرکت و تشریف فرما گشتن از قصر سیاوران زنبورکخانه در جلو در چند جای عرض راه شینک زنبورک کردند تظار و چیان و کوره نایچیان در نواختن بودند در اثنای راه اعلیحضرت اقدس نعل اللهی خلد الله ملک و سلطانه تشریف فرمای کارخانه ریجان ریحی جلواری بافی شدند و بدقت تمام موقوفه انظار مهرانار طوکانه گردید در انجام آنجا امر اقدس علی صادر شد و این ایام از کثرت عمل و کار کرد و اهتمام مباشر آنجا قریب با تمام است آواج قاهره متوقف دار الخلاف از زر قصر عالی بالای بخارستان که معبر موکب فیروزی کوکب بود وصف نظامی کشیده شرفیاب حضور مهر طلوع خیر وافی گردید نواب والا محمد تقی میرزا حکمران دار الخلاف و توابع و سایر چاکران و کارکنان و صاحب منصبان متوقف دار الخلاف به استقبال شتافته و تقدیم قربانیها کرده و لوازم دعا کونی و شکر گذاری عمل آوردند موکب تلایون چهار ساعت و نیم از روز بالا آمده در باغ بخارستان نزول اجبال فرمودند پس نه استراحت و آیش سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی در قصر بخارستان و در خارج حصار جاو مکان که چته وزراء فخام و سایر ارکان دولت ابدار تمام مستحق شکر و چادر باز کرده و فرسش کرده انواع حلویات چیده و مویز کزازه بودند خواص و مقربان حضرت کردند سلطنت اذن مخصصی حاصل نموده هر یک منزل خود رفته سایر چاکران دربار سپهر ام نیز از برای منزل مبارک

۲۷۰۱

و نهایت جمع گشته صرف سیرتی نموده شد و هر کس با سزا تحت مشمول گردید (نظر بطور رحمت خاطر سرکار اعلی حضرت
 اقدس بایون شاهنشاهی در باره نواب والا محمد تقی میرزا حکمران دارالخلافه طهران ایامی که موکب بایون شریف با
 میا دران بود و بطور القات و عنایت ملوکانه در باره نواب معزی ^{میرزا} فرموده بکثوب کلبه ترنم لاکه از بوس خاص ^{مبارک}
 خلعت نواب معزی الیه حرمت گردید) (جناب مجتهد استرآبادی سرپرست کار و دفتر سابق دولت نوبت
 معیم دارالخلافه که باذن و حضرت دولت مشهور خود از دربار بایون این دولت علیه روانه شد شرفیاب
 مهر طور ملوکانه گشته مورد الطاف خاطر بایون آمد و نظر بملاحظه اتحاد و مابین دولتین نخستین از جانب بی
 اقدس اعلی دو طاووسال کشمیری اطلاق جناب مشایخه القات شد و عالیجاه مرتضی قلیخان یوزباشی ^{دولت} علان ^{خارج}
 مأمور بمهمانداری ایشان گردید که الی سرحد اترک ^{مطابق} راه بوده لوازم توقیر و احترام ایشان را بعل آورد
 چون طبقات نوکر از عالی و ادانی چنانچه در سلام حضور مبارک بجنابشان در بیت هر یک جا و مکان ^{مهمان}
 در نوشتجات دیوانی هم هر یک را القاب مخصوص سازانجه در فراین معصل و در بر و آه مختصر و همچنین در ^{دوره}
 بقانونی که متداول گشت دولتهات القاب زیادتی نولسند بلکه بیک لقب که مشرب منصب ^{چنانچه} آن شخص است
 میکنند و از القاب زیاد و احترام دارند و مطربی را با حصار که الفاظ حشو با مترادف نداشته باشد میوه
 دلی در روزنامه این دولت علیه تاکنون بعضی زیاد نوشتن القاب و توقیر و تکریم را باعث زیادتی شان
 رتبت خود می دانستند و روزنامه نویس نیز بیک حکم محکوم بودند در ذین روزنامه القاب زیاد هر چه میگفتند
 میداشت و سایر رجال حضرت نیز بنا بر تعیت مقید نوشتن القاب زیاد از خود در روزنامه بودند و این
 رفته رفته معایر رای جهان آرای ملوکانه که مجرود از القاب و اوصافند گردید خصوصاً دران حضرت القاب زیاد
 و انمود کردن منافی قانون نوکری است و روزنامه که بنظر اقدس بایون میرسد بطور مشتمل بر القاب
 و صاف جاگران باشد و در از قاعده ادب است زیادتی رتبت منوط بر زیادتی خدمت است و ظهور صدق
 نه نویساندن القاب زیاد و لهذا بعد ازین حکم حکم بایون رسم زیاد نوشتن القاب طبقات نوکر درین روز
 متروک و ضایع است شاهزادگان عظام بعلقب نواب والا و امیرزادگان بنواب فقط و وزیران جناب امر
 هر یک باندازه شایسته دارند بیک لفظ القاب باید نمایند و تکلیف زیاد نوشتن القاب در روزنامه ^{نکنند}
 نظر بطور مراحم ملوکانه در باره نواب والا مؤید الدوله طحاسب میرزا حکمران ملک فارس و ظهور ضابط
 نواب معزی الیه در نظم و انضاط امور فارس که معروض اعجاب بایون افتاد بکثوب کلبه بوس تن مبارک ^{رحمت}

۲۷۰۲

کرده معرتب انخاقان حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک حاصل آن شد (چندی سابقاً معرتب انخاقان حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک با بعضی و استبکان خود در بار معدلت مدارحایون برای بعضی مطالب و مستدعیات خود آمده بودند این ایام اولیای دولت قاهره مطالب ایشان رسیدگی کرده حضرت انصراف دادند روانه مملکت فارس شدند و باین تقصیل با عطای مناصب و خلایق فخره سرافراز گردیدند

معرتب انخاقان حاجی میرزا علی اکبر قوام الملک معرتب انحضرة العلیة میرزا حسنعلی خان که سابقاً دریا علی بود با عطای همایون میرزا علی و یکتوب جبه ترمه کسیری منصب استغای مملکت فارس و اعطای یکتوب جبه ترمه معرتب کرد سرافراز شد

معرتب انحضرة میرزا علی محمد خان با عطای منصب عالیجا میرزا علیخان و معرتب انحضرة العلیة میرزا محمد خان با عطای و کالت رهایای فارس و یکتوب جبه ترمه سرافراز شد

چون بعضی از ارتقاغات که در روزنامه پیشه سابق نوشته شد کاتب نسخ در وقت استکتاب نسخ نبوده بود لهذا مجدداً صحیح و بی غلط آنها نوشته میشود که مشتمل بر

ار قناع طهران از سطح دریا	ار قناع قصر نیاوران از سطح دریا	ار قناع آب گرم لاریجان از سطح دریا	ار قناع اول برف کوه دماوند از سطح دریا
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
ار قناع قلعه کوه دماوند از سطح دریا	ار قناع قلعه کوه دماوند از سطح دریا	ار قناع قلعه کوه دماوند از سطح دریا	ار قناع قلعه کوه دماوند از سطح دریا
۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰

سایر ولایات

از فرار روزنامه و نوشتجاتی که از اغلب ولایات رسیده است حکام و صاحب اختیاران ممالک محروسه جنس عید مولود مسعود سرکار اعلیحضرت آقا سید یون شاهنشاهی قلد الله ملک و سلطان را که در ماه صفر المنظر بود در نهایت شکوه و آس گرفته و شهر را از این سبب چه افغانها کرده در نور عید نوروز با بقانون اعیان معطله مراسم سلام و شکر و خطبه را بعل آورده بعضی تا شبانه روز اوضاع آیین بندگی و چراغانی و عیش و شادمانی را برپا داشته و ولایاتی وجود فایض انجودهایون اطعام و آن فقر و ضعف

نموده اند و همه مردم بشکر گذاری و دعای دوام و از دیاد دولت جاویدت علیه مشغول بوده اند
اوز باچان و فارس و کرمان و خراسان نهایت انتظام و اعیان در هر یک
ازین ولایات حاصل است و حکام و صاحب اختیاران در نظم و لایست و رفاه و آسودگی رعیت و
انجام خدمات و عقبات دیوانی و نظم و امنیت طرق و شوارع و سرحدات مراقبت کامل دارند
و نهایت فراوانی و ارزانی در هر یک ازین ولایات حاصل و مردم به جا کونی دانت اند و حسن حال
استغاث دارند و سرفقت و شرارت کمتر اتفاق می افتد و از الایمان قسم چون بعد از
حکایت عزل میرزا آقاخان بعضی از امثال و چنان قسم بیارند حیالات فاسد و اقا و بیگام
شرارت و شیطنت آمده بودند بر حسب امر قدر قدر مایون عالیجاه فرج سبک لشکر امر کار آمد
نامور قسم و ساه کردید که امثال را بقیه نماید بقراریکه مشارالیه نوشته بود کمال ایشیت و انتظام
در امور آن ولایت حاصل است و مرتکبین شرارت مورد عقوبت و سیاست شده اند از جمله چند نفر اولاد
ورشبی از سبهای همین روزگار در محله باغ پنبه که از محلات قم است رفته بودند در خانه سیدی
لور یا باف زن حامله اورانی عصمتی کرده بودند مراتب اطلاع خان حاکم رسید و محمد ششم خان
فرانشی را امر نمود آنها را گرفته و بقیه کامل نموده و کوشش آنها را بریده و مهار کرده بازار کرد
که عبرت دیگران بشود (دیگر در دو فرسخی شهر فریزاد زده بود و خورچین اورا که تنها صید
از نقد و جنس در میان آن بوده است برده بودند صاحب خورچین بشهر آمده بخان حاکم عارض شده و
نفر ششاشی گفت که مال سرور را با درز حکما از توینخواهم مش رالیه هم چند نفر را برده است بعضی دزد
خورچین برآمده در اطراف همان دو فرسخی خورچین را از میان چاهی پیدا نموده آوردند بجان نوعی که
بود بدو ان عیب و نقص آورده است و تحویل صاحبش کرده و قبض از او دریافت نمودند و ارالد و له کرمان
تبارنج شهر محرم محرام نواب و الامداد له که ان کرمانان لطف با روی آید و ماهی دست و کرد
و کهواره بعنوان سرکشی و رسیدگی با فواج و پروا حقن مواجب آنها و رسیدگی بجمعیه رباطات عرض راه
زوار رفته بودند و از هر بابت رسیدگی مشغول نموده مواجب سرباز را پرداخته و سرباز را مستحفظ
برای رباطات مستحق کرده و هیچ صاحب منصبان را نوازش نموده و فراخور حال هر یک راجعت التفت
نمودند سقز نواب معری الیه دوازده روز طول کشید و درین مدت معتدب انجان نصر الله خان سیرب فرج کلباچان در شهر
بوده و کمال کفایت را ظاهر کرده است

۲۷۰۴

۵

میر و حرد و سرکار نواب الاجتسام الدوله حکمران برادر و عربستان و لرستان در بر و جرم مشغول نظام
 امورات ایالت مملکت بود پیشه فوج با صریح و سواره سون در آنجا با نهایت نظم بوده اند و فوج زرندی که چندی
 خارج شهر توقف داشته اند با اینکه در پهلوی غات و کنار بایین و زراعت چادر زده بوده اند احدی از احاد
 سر باز و غیره جرئت دست اندازی و ضرر بر نمی رخنه خوشه انگوری کرده اند خوانین کاکاوند که سالهای قبل نزد حاکم
 مرد و میگردند چون سالست نظم کلی در امورات آنها داده اند نواب اشرف والا خوانین آنها را به بر و جرم مشغول
 عالیجا که خان که مطلقا روی شهر و آبادی تدبیر بود خود بشهرت چند روزی توقف داشته نواب والا قرار
 امورات آنها را داده و خلف داده مرتضی کرده اند **عربستان** بقبریکه در روزنامه آنجا نوشته اند
 نواب امیرزاده ابراهیم میرزا حاکم عربستان در دارالمؤمنین شوشتر که متفرک حکومت است بوده اند مباشرین و عمال
 دیوانی بر یک بهر جانی و هر ولایتی که ناموشب دارند مشغول انجام خدمات دیوان علی چنانکه مقرب انجان خان
 سرپس فرامانی بادد فوج خود در سر خدمات محوله بوده اند تمام امالی آنجا از خود سیرت و میر صاحب منصفان و احاد
 و افراد سبب از نهایت رضامندی را دارند و عالیجاه محقق خان سرمنگ که با پانصد نفر سوار و یکصد آده گاو
 مأمور جویره شده اند در کمال نظام بخدمات محوله مشغول اند و تمام راهبیت طرق و شوارع و آبادی الولا
 و اسودگی رعیت دارند و عالیجاه حیدر خان والی با سواره جمعی در جویره است ایالتی شهر و اعراب خارجی بادیه
 رضامندی را از حسن سلوک عالیجاه مشارالیه دارند عالیجاه محقق خان سرمنگ توپخانه نیز با سایر صاحب
 و توپچیان مشغول انجام خدمت محوله بود پیشه در باب تعمیر توپها که از اولیای دولت علیه امر و مقرر گشته بود
 و لوازمات توپچیان و دو پونز را با تمام رسانیده و سوار عراده کرده اند و سایر توپچیان هم قریب است که در
 نهایت پاکیزگی سوار عراده نمایند و قورخانه که سرکار نواب اشرف والا اجتسام الدوله مقرر داشته بودند در قطع
 شوشتر ساخته شود این اوقات با تمام رسیده و در نهایت خوبی ساخته شده است پنج طاق از پیش شوشتر
 چند سال قبل خرابی بهم رسانده بود و درین سال بسبب ریاضی باران و سپین زیاد تر خراب گشته بود نواب والا
 زمان رفتن ببلق سیرت آمده و خرابی پل را بدقت ملاحظه کرده نواب امیرزاده فرمایش فرموده بودند که در حکام
 کم شدن آب بنای تعمیر درست کردن خرابی پل را بگذارد و تعمیر نماید از او این ماه ذی حجه اسحرام که است نای کم
 شدن را گذارده است بنای کار کردن را در سیرت گذارده اند و هر روز در کمال دقت بکار کردن مشغول
 و عنقریب با تمام خواهد رسید

۲۷۰۵

اخبار دول خارجه که از روزنامه های خارجه جريد نوشته ميشود

از فرار روزنامه ندهن مجلس پارلمنت انگليس هر سال در اول بهار مفتوح شد و چند ماه امتداد يافته پس از آن بيشتر
 و اعضای مجلس مزبور مقسم به دو صفت است یعنی دو مجلس سواسویکی مجلس وکلای قتی و یکی مجلس خوانین و دولتی
 اعضای مجلس قتی از طرف ملت انتخاب میشود و اعضای مجلس دولتی از جانب پادشاه معین و نصب میگردد
 و کافه قوانین و نظامات سایر ممالک اول در مجلس معینان ملت سه دفعه مذاکره و مطالعه شده با اکثریت
 قرار گیرد به بعد از آن مجلس خوانین دولتی حواله شده در آنجا نیز سه دفعه مذاکره و مطالعه میشود اگر اکثریت
 از اجل آمد ان امر مجری میشود و الا فلا و این اعضای مجلس پارلمنت بقانون عیسوی که من القدیم معمول انگليس است
 در وقت مأموریت باید باین خود قسم بخورند و چون ملت بود ازین تخلیف یعنی قسم خوردن انکار و
 باین جهت از آن وقت کسی را داخل اعضای مجلس قتی نمیکنند ولی از آنجا که این معنی قسم منافی قانون از ادوی که از
 اصول قدیمه انگليس است پس این گفته را بکرات در روزنامه ها نوشته اند از ده سال قبل ازین تا کنون
 روشیله نام صرقت مشهور بود در آنکه دولت وقت فرادان وارد ملت بود از جانب خود وکیل انتخاب کرد
 هر سال مجلس قتی انگليس خواسته اند او را از اعضای مجلس نمایند و بسبب انکار تخلف روده و قبول مجلس قتی نکردند
 در این اوقات ما بین وکلای جدید دولت انگليس با این گفتگو میان آمده و اکثریت آرا درین خصوص ظاهر شد
 در ۳ محرم روشیله مزبور در پیش روی مجلس قتی باین موسوی رسم تخلف بعل آورده او را داخل مجلس قتی
 انگليس کرده اند (دیگر از فرار روزنامه های فرنگستان چون بودن مزبور و سایر کسافات در درون شهر
 باعث حل و امراض نفوس سانی میشود از جانب وکیل خسته دولت فرانس در هر محلی از مالک دولت
 ترتیب داده اند که رفع آنچه احداث عفونت می کند بنمایند) (دیگر نوشته اند که تعلیمات بزرگ کشتیهای
 حکمی فرانس که در شهر بوزن میشود از جانب اکثر دولتهای فرنگستان یک کشتی و دو کشتی با بنجار سال میکرد
 از جمله از دولت پرستیه نیز دو قطعه کشتی با بنجار سال شد است و نیز نوشته اند که اعلیحضرت ملکه انگليس هم
 که از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانس بهر بوزن دعوت شده اند در محبت ایشان شش کشتی بزرگ بنجار
 و یک قیاق وسی کشتی بنجار حرکت می کنند) (در روزنامه های سابق نوشته شده بود که اعلیحضرت
 امپراطور روس بنگرگاه ارفانزل که در بحر سفید واقع است غریت کرده و بعد از آن بعضی مالک خود را
 کوشش نموده از انجا بنجان فرنگستان غریت خواهند نمود از فرار روزنامه بطرز بوزن که بعد رسیده است
 اعلیحضرت امپراطور اراده کرده اند در نگرگاه مزبور در بعضی مواقع قطع و استحكامات دیگر بنا کنند و با

بعضی ارکان حرمیه را همراه خود برده اند و همچنین ثواب و فعیده امیر اطور روس نیز در خدمت مدبر خود کرده اند (۱) دیگر از فرارده و تداوم بیچاره بوریغ الهامی خارج که در ایالت چین زندگی در سواحل دریای با واقع است کئی دارند از جانب اعلیحضرت امیر اطور روس حکم شده است که این اشخاص بعد از این بخواهند در اینجا اقامت نمایند باید بخت دولت فرور را قبول کنند و پانته که در اقامت و پنا بورت داده شود و در قبول ایمنی سجد عمارت آنها نیز قرار برون از جانب امیر اطور رحمت میشود (۲) دیگر از فرارده و تداوم بیچاره ای که در جانب قوم پانته هندوستان دو کشتی بسیار بزرگ که به قصد قدم طول بر یک شهر و در وقت ضرورت بخار کرده باز بهم وصل نمایند و یکفوج سواره نظام در بالای آنها با حیوانات جاگیر شود و بعد از آنکه با تمام سپه در بر خا تر نام هندوستان در کنار باشند در لور پول بدست گرفته عیب زنهار دیگر نوشته اند از فرارده معلوم اهل نقشه و خراجهاست مملکت چین لغایت اقلیم بزرگ است و انقدر آبادان است که قد و نفوس از ششصد گز و ارتفاع است طبایع و احوالات الهامی آنجا بسیار عجیب است اقلیم بزرگ طول پانصد فرسخ در میان یک سو رسیم واقع است انقدر حاصل آورست که هر چیزی در آنجا کمال بعین می آید و الهامی آنجا ادیان مخلوطه است اغلب بت پرست اند و بعضی تنها که مخصوص با آنها و هندو است می پرستند و سواى اینها صد هزار کس عیسوی و ده هزار از اهل اسلام میباشند و اهل اسلام از اولاد کانی تنند که در عهد چنگیز خان با پنجا رفته اند و این ولایت و مهوریت مملکت و کثرت الهامی آنجا ظاهر آشکار است چین از یکطرف تا طرف دیگر مانند باغی است و در زراعت را آنجا با حیوانات می کنند کلاً بدست شیار و زراعت می کنند تخم هر چیزی را اول در محل مخصوصی بکارند بعد از آنکه سبز شد از آنجا شبهه آورده جای دیگر کاشت می کنند باین جهت در سایر اقلیم تخم کبی در شش و شش ماه پانزده و بیست بعین می آید و در چین تخم می شنود تا صد و بیست بعین می آید مملکت چین پر از آدم است و اکثریت نفوس جاواده و حیوانات کم شده و در کاری که از حیوانات ساخته میشود انسان مباشرت آن کار را و اکثریت نفوس که در خشکی کجایشند دارند بسیاری در روی نهرها مانند فغانها از چوب ختمه با عیال و اطال رستان و تالستان در آنجا که زنان می نمایند اهل چین شجاعت و هور ندارند ولی بسیار باهوش و شیطان خیال تنند و مثل است که اهل چین هر کس را فریب می دهد ولی چینی را بجز چینی کسی دیگر نمیتواند فریب دهد مع ذلک بسیار صفات خوب دارند پادشاه و پدر و مادر خود را بسیار حرمت می کنند و بعضی از خویشان خود هر کس را که فوت شود بسیار حرمت می کنند و در سر قرار آنها طبقاً با ما کولاً تنند و از

۲۷۰۷

و بجای بانی کاغذ نیوز اندرز که کاغذ سوزاندن را با قانون بت پرستی خودشان سپید اند و بگنیم عابد تر از بدست
 میوزاند اهل چین ارباب هنر صنعت اند و آنچه که چند کرد و کتب خانه دارند فقیر یعنی کلا خواندن و نوشتن میدانند و
 تا در است که بی سواد در میان آنها باشد در شهر مکن که پای تخت آن مملکت است هر روز روزنامه که تصنیف
 صحیفه است طبع و نشر میشود و سبای اینهم در هر یک از شهرهای بزرگ چین یک خانه روزنامه در کار است اگر چه چینی تازه
 اختراع و ایجاد نمیکند ولی صنعت غریبی که بدست آنها بدین شبیه از اچنان می سازند که با اصل هیچ فرقی نمیتوان کرد
 تصاویر خوب نقاشان هر فرنگستان را چنان نقل میکنند که خود نقاش نمیتواند فرق بدید که کدام کار خودش است و کدام
 از روی او ساخته شده است حتی یک فرنگی قبای تازه خواسته بود بدوزد قبای گفته خود را با پارچه از آن نقاش چینی
 چینی داده بود که از روی برود و بدوزد و حیاط از روی آن قبای بدوزد و دوخته که نه کرده آورده بود بطوری که حساب
 تیر نمیداد که کدام یک تازه دوخته شده است بعضی صنایع عجیب دارند از جمله از دندان فیل مانند سینه کوچکی بسیار
 مشک و بچه پرده تومی هم از یکدیگر سوا که عمل در تصنیف آن حیرت دارد و ازین قبیل کارهای غریب بسیار دارند قدیم بود
 از اینها معلوم است که صنعت طبع و چاپ که در فرنگستان چهار صد سال قبل ازین شایع شده و دویست سال قبل ازین در چین
 که دیده است و بار و ط که پانصد سال است در فرنگستان متداول شده و در هزار و پانصد سال قبل ازین ایام در چین اختراع
 و در توابع مسطور است ممالک چین از خط استوای شمال از بیت درجه و نیم الی چهل و یک درجه شمال است و بواسطه
 مختلف بعضی اوقات طرف شمال شدت سرد و طرف جنوب لغایت گرم میشود و ازین چین هر نوع محصولات بیرون می آید
 اهل چین غریب است حروف بتجی که بزبان عرب بیشتر حروف است زبان اهل چین چهارده هزار حرف است حروف
 متکلفان غیر از حروف بتجی شان است و هیچ یکدیگر شباهت ندارند چون سصد و دوازده اهل چین در تجارت بیشتر است گالی
 که از دو کورالی و ده کورایه شسته باشند از تجارت شمارند و اگر کمتر از دو کور و شش باشد از تجارت محسوب نمیدارند
 تجارتها که درین ولایات متداول نیست و در جزایر بسیار عجز الوجود است و مقابل طلا داده و سست میشود دارند از جمله
 پرستو که مانند سیریم چیزیت نوعی از آنکولت خلی مرغوب است که بسیار گران بهاست و ازین شو با پنجه میخورد و
 در هنگام محاربه انگلیس چین یک کشتی از اهل چین که مملو از این شیایه پرستو بود بدست سر کرده قتل انگلیس افتاد چینی
 بمصرف و بسته را کردند بعد که معلوم دو کرد و قیمت آن بوده است تا سق خورد که سکاربان خوبی را بر او است
 و اندر ایام بن املی خارج را از هر طرف که میرفت بچین راه میدادند تا وقتی از قتل کوتولیک عیسوی بعضی مخدورات ظاهر
 شد بعد از آن بر اهل خارج را از هیچ بنا و ممالک چین برید موقوف کردند که در شهر کانتان و غیر از آن بندر و
 از شهرها و بنا در ولایات اهل خارج را راه نمیدهند


۲۷۰۸

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور المبارک سلطان پور

منطقه دارا خلاق طهران

قیمت روزنامه

پنجاه شکر



شهر سردر

اخبار و احداثیه ممالک محروسه پادشاهی

دارا خلاق طهران

در این اوقات که موبک هایون اعلیحضرت آقدس شاهی خلد الله ملكه و سلطانه در عمارت
 نگارستان تشریف فرما میباشند و وزرای فحام و امرای کرام و سایر خدام در بار پسر حشام
 هر یک در منازلن مقروءه خود حاضر و مراقب اوقات خدمت معینند بوده هنگام سلام بتقبیل خاکپای
 هایون شرفیاب میشوند و از حسن مراقبت و رعایت شرایط خدمت دقیقه بتناون ندارند ارباب
 عرایض حاجات که از بلاد بعیده و قریبه روی امیدواری مدبر بار شهر یاری آورده اند آنها معطل بودند
 میاسن توجهات اعلیحضرت شاهی و برکات او امد علییه که در انجام مطالب و مقاصد آنها شرف
 صدور یافته است باستظهار و استیثار تمام مطالب خود را معروض نمودند و امور اغلب عرایض صورت انجام
 یافته رخصت اطراف حاصل کردند بعضی دیگر هم تدریج در جناح معاودت میباشند و ازین روگذر
 نهایت امیدواری و شکرگذاری عموم رعایا و برابرا حاصل است (اگر چه رجب اراده علیه
 اعلیحضرت شاهی همان الله شو که عن التناهی که مویط الهام و مدارصتی عام است متعاقب جان
 تعبیری که در پیشکار فرمودند مناصب معتینیه برای چند نفر از اعیان دولت و ارکان حضرت که سجا
 و استعداد هر یک در پیشگاه خاطر ملکوتی مناظر جلوه ظهور یافته بود مشخص فرموده بودند چنانکه در روزنامه
 بنقشه گذشته ثبت افتاد و لکن صدور و فراین بطاعه و اعطای خلایع و جوایز سینه برای تعیین ساعت
 که منظور نظرافت اثر است تاخیر افتاده بود این روزها بر حسب اشاره علیه لوکا که معرفت انجان

۲۷۰۹

میرزا رضای پنجم باشی که احکام صایبه و مهارت ثاقب او بارها در حضرت اقدس علی تجرت سیده
ساعتی سعد معین کرده هر یک از رجال دولت قاهره و خدایم سلطنت با هر از قرار تفصیل ذیل کجالت

جناب امین الدوله	امیر الامار العظام نظام الملک و الامتام سپهسالار
جناب وزیر دول خارجه	جناب مستوفی الممالک
یکتوب چته ترمه در حاشیه	یکتوب چته ترمه در حاشیه

جناب امیر الامار العظام معتمد الدوله	جناب رضا شیر الدوله
یکتوب چته ترمه در حاشیه	یکتوب چته ترمه در حاشیه

امیر الامار العظام ایلیک اقای باسی	مقرب انخاقان نصیر الملک
یکتوب چته ترمه در حاشیه	یکتوب چته ترمه در حاشیه

۲۷۱۰

فاخره و عطای سینه سرافراز گردید و در روز شنبه بیستم سلام عام منعقد شده هر یک از
رجال دولت علیه در مقام مخصوص خود متوقف و شرف حضور و در ظهور طوکاره مشرف آید اعلیحضرت
شاهنشاه جهان پناه خداوند تعالی ملکه و اجری فی سحر نخلود فکله بقضای حال و مقام کلمات بلاغت
سمات بر زبان مبارک جاری فرموده شرف خطاب مستطاب را جناب امین الدوله مبذول و
هر یک از رجال کبار و العواطف شانه مشمول فرمودند و امر قدر قدر اقدس علی لعنه ده هر یک
از امنای دربار شوکت مدار شرف صدویافت که در تقدیم خدمات معرزه خود ایتها ایم و توجیه
معمول داشته از لوازم و مقتضیات مناصب معنی غفلت نوزیده کلیات امور دولت را بعضی
خاکپای اقدس هایون برسانند (مقرب انخاقان عزیز خان سردار سابق عا که مسؤره
که بعضی شخصی ملاحظات مسکرة بعضی از حضور اعیان مقدسه شاهانه محروم شده بود این روز
بر حسب اراده علیه موجب فرمان هایون بدبار سپهر مدار احضار و شرفیابی خاکپای اقدس علی بن
کردید

فغان قضا

مقرب انخافان مجنون سپهر که چندی قبل نامور مرتب نظامیه مملکت آذربایجان بود این روزها احضار و بار شوکتند از سد مجنون
 بیرون منصب بر صنایع و معادن و امر تجارت و اجوائی خاصه و طایون سرازور کرده و اعطای کتوبت جبهه ترکه شمیری توین است
 سخیلیداری و جو خاصه مبارک و کالت حاکم کاشان بعالی مقرب انخافان میرزا هاشم خان که سابقا عمل کتابخانه
 و سلاح خانه مبارک بعالی مشارالیه محول بود رحمت کرده (مقرب انخافان میرزا نعیم شکر زین ماسی فارس که مدتی
 عرض مطالب خود در دیار طایون بود این روزها اولیای دولت قاهره واری مطالب ادرا کرده و منبع دولت توین بر معززی سابق
 او افزوده یکتوب جبهه ترکه شمیری خلعت حشمت (جناب امین الملک و سفیر کبیر دولت عقیده ایران فرخ خان که در
 با ما مرتب در صفحات او و با بانجام خدات محوله مشغول است و از جانب دولت علیه اذن و رحمت داشت هر که امیکه از
 و قرالهای نوکتان میل معاهده معاشرت و دوستی و تجارتی با این دولت علیه داشته باشند و جناب معززی الیه مصلحت در معاهده
 بدان دولت بداند موافق قاعده و قانون و دستور العلی که از اولیای دولت علیه در دست دارد با آن دولت عقد معاهده نماید
 لهذا جناب معززی الیه با دول چند در فرنگستان فرانسین عهدنامه داده پس از عرض و اظهار حصول اذن از دولت علیه قرار معاهده داده است
 و از طرفین عهدنامه نوشته شده و امضای دوین سید سلیم و فکاکشته است و در لایحه تفصیل در ناچهای که با چند دولت
 ملت بسته شده در روز ناچهای آینده نوشته خواهد شد و ازین دول که بنای دوستی با دولت علیه کرده معاهده دولتی و تجارتی
 بسته اند اکثری بلکه مجموع را داده و غم بوده است که ناموری و سفیری در بار مودت مدار روانه دارند و اقامت دهند
 جمله آن دول دولت بینه بلجیک است که با جناب سفیر کبیر معاهده و عهدنامه های دوین مبادله میزند است بندی قبل عرض
 خاکهای مبارک علیحضرت شهبازی رسیده بود که از جانب دولت بینه بلجیک سفیری نسبت شازد فری در بار مودت مدار
 و رایحه کشته است حسب الامر الاقدس لایحه تمام سرحد داران و حکام عرض راه در توقیر و احترام سفیر نور حکم صادر کرده و معاهدات
 تعیین شده بود از قراریک بعضی اولیای دولت علیه رسیده بعد از که شن جناب شازد فری دولت بینه بلجیک از سرحد تعیین و معاهدات که لوا
 و الامحمد جم میرزا حکمران ایالت خوی محتین کرده و دستا داده بود با جناب شازد فری طاقان کرده لوازم پذیرنی را عمل آورده و در
 احترام الی خوی آوند و چند روز توقف در خوی را از آب معطر الیم منتهای اگر امانت را بخل آورد و آب شازد فری کرده کن اند و حکمران
 از با بجان نیز قطار و استقبالی نامور نموده بودند با اعزاز تمام وارد شهر و سلطه تبریز نموده و چند روز توقف تبریز از جانب
 نواب و الارکن الدوله نهایت محبت و ادا و بار جناب شازد فری بدول شد مقرب الحضره العلیه میرزا عباس خان علام شمس که از
 در بار طایون بهماننداری جناب شازد فری نامور بود از وار سلطه تبریز با اتفاق علم و روانه در بار مودت مدار کرده و در هر
 منزل عرض راه نظرم به اسم کامه این دوین فخریمین و دستور العلی اولیای دولت علیه کل حکام و صنایع عرض راه لوازم گریه است

۲۷۱۱